

جاودانان یا بیمرگان در استوره های ایرانی

جاودانان یا بیمرگان و فرشگردکرداران در استوره های ایرانی را در سه دوره بر پایه نوشته های در دسترس همچون اوستا و فارسی میانه ، دینکرد، گزیده های زاداسپریم، روایات پهلوی و... و فارسی نو، شاهنامه فردوسی می توان شناسایی کرد. همچنین باید این نکته را یادآور شد که شمار و نام جاودانان یاد شده در این سه دوره یکسان نبوده به گونه ای که نام برخی در یک دوره هست و در دوره دیگر نه.

بیمرگان و جاودانان در بینش کهن ایرانی نامداران و به ویژه قهرمانانی هستند که نمی میرند و چون زندگیشان به سر می رسد در خواب فرو می روند و یا در جایی پنهان می مانند و هنگام فرسُگرد (دوران بازسازی جهان) به یاری بزرگان دین و مردم می شتابند ، نام این جاودانان بر پایه بازگوییهای گوناگون تفاوت می کند از میان ایشان به چهره هایی چون گرشاسب، توس، گُستَهَم پسر نودر، کیخسرو پسر سیاوش، گیو پسر گودرز، فربرز پسر کیکاوس، اُروَت نَره پسر زردشت، گوَبَد شاه که نیمی از تنش چون انسان و نیمی دیگر چون چهارپایان بود، اَعْرِیْرَت برادر افراسیاب پادشاه توران، یوشت فریان، پشوتن پسر گشتاسب بر می خوریم. برابر این نوشته ها جمشید، فریدون و کیکاوس نیز بی مرگ آفریده شده بودند ولی چون گناه کردند از رده جاودانان بیرون نهاده شدند، در کتاب بُنْدَهَشْنُ از متنهای پهلوی پانزده مرد پارسا و پانزده زن که از بیمرگان هستند به یاری سوشیانس فرزند زردشت که رهاننده (منجی) جهان در رستاخیز است می شتابند.